

بسم الله الرحمن الرحيم

گزارشی از بیانات استاد معظم حجت الاسلام و المسلمین سید یدالله یزدان‌پناه در نشست علمی نگاهی به کتاب مصباح الهدایه امام خمینی (ره) و رونمایی از کتاب فروغ معرفت

- افتخار شیعه این است که امامانی دارد که از بطنان هستی و حقایق عوالم بسیار برتر که دست همه از آن کوتاه است خبرهایی می دهند و اوصافی را برای خداوند سبحان مطرح می کنند که از عهده احدی بر نمی آید. خدا را شاکریم که امامی همچون حضرت سجاد علیه السلام داریم که از او میراث های گرانبهایی همچون صحیفه سجادیه، دعای سحر و زیارت امین الله به ما رسیده است. این سفره معنوی برای ما جای تاملات عرفانی فراوانی را ایجاد می کند که به توفیق الهی به برکت عرفان در سنت اسلامی می توان فهمید که این بزرگواران چه فرموده‌اند.

معیارهای مجتهد در عرفان نظری

۱. ارایه تقریری نو از مباحث عرفانی. از جمله معیارهای مجتهد در عرفان نظری این است که شخص بتواند علاوه بر احاطه بر مطالب عرفان نظری، تقریری نو از مباحث آن از صدر تا ساقه ارایه نماید. یعنی بتواند در خصوص مباحث این علم همچون اسم الله، فیض اقدس، فیض مقدس، مشیت مطلقه و ... تحلیلی مخصوص به خود داشته باشد. صرف نقل عبارت دیگران بدون هیچ تقریری، برای اجتهاد در این علم کافی نیست. از جمله تقریرهای نو حضرت امام می توان به بیان ایشان در مورد فیض اقدس اشاره نمود که این تقریر مخصوص به خود ایشان است. این نکته در مقایسه دیدگاه حضرت امام با کلام قیصری آشکار می گردد. کسانی که کلام قیصری در این زمینه را دیده باشند می دانند که تقریر اینچنینی از حضرت امام، تا پیش از این نبوده است.
 ۲. داشتن یک دستگاه نظام مند و سازوار هستی شناختی. یعنی علاوه بر توان ارایه تقریرهای نو در مباحث عرفانی، در اندیشه خویش یک دستگاه نظام مند عرفانی داشته باشد، چرا که علم عرفان نظری در حقیقت ارایه دستگاه نظام مند هستی شناختی مبتنی بر شهود است.
 ۳. توجه به لوازم و فروع مبنای خویش. همچنین مجتهد در علم عرفان نظری کسی است که به فروع و لوازمی که بر اساس مبنای این علم، پیش می آید، توجه داشته و به تبیین آن ها نیز بپردازد.
- مساله شگفت آور در مورد حضرت امام خمینی ره این است که ایشان این رساله (مصباح الهدایه الی الخلافة و الولاية) را در سن ۲۸ سالگی نوشته اند. شگفتی این مساله در این است که ایشان در آن زمان حدود ۲ سال بوده که خدمت آقای شاه آبادی بوده‌اند و سرمایه قبلی ایشان [بر حسب گزارشاتی

که از سیر علمی ایشان وجود دارد] شرح منظومه و اندکی از اسفار است که خدمت آیت الله رفیعی قزوینی خوانده بوده‌اند.

- آنچه برایم تعجب آور است وجود تمام معیارهای اجتهادی در ایشان است آن هم در سن ۲۸ سالگی، که همگی این ها در این کتاب مصباح الهدایه به ظهور رسیده است.

وجود ظرفیتی ویژه در عرفان نظری در خصوص اندیشه ولایت

در سه قرن دوره دوم عرفان نظری که از ابن عربی تا جامی را در بر می‌گیرد (از قرن ۷ تا ۹)، چیزی روی داد که برای خیلی ها پرسش‌برانگیز شد و آن، طرح مباحث ولایت در عمیق‌ترین ساحت هایش در بستر عرفان نظری است.

مباحث کلان علم عرفان نظری از یک منظر بر دو بخش است: مبحث توحید و مبحث موحد.

- در مبحث موحد ظرفیت سنگینی وجود دارد، به گونه ای که من بسیاری از افراد را دیده ام که با خواندن کتاب های عرفان نظری، به راحتی اندیشه ولایت شیعه برایشان خیلی معنادار شده است.
- وجود چنین ظرفیت عجیبی در عرفان نظری سبب شد تا بعدا تدریس کتاب های عرفان نظری از حوزه اهل سنت به حوزه شیعیان انتقال پیدا کند. در حالی که چنین گفته می شود که برخی از صاحبان آثار در عرفان نظری از اهل سنت هستند! یکی از دلایلی که این ظرفیت را ایجاد کرد، وجود اندیشه ولایت و امامت در عرفان نظری است.

فهم بهتر روایات معارفی در حوزه ولایت پس از ورود عرفان نظری در بستر تشیع

شروحي را که بر کتاب الحججہ اصول کافی نگاشته شده، پیش و پس از ورود عرفان نظری مقایسه کنید. این دو دسته از شرح‌ها اصلا با هم قابل مقایسه نیستند. پس از ورود عرفان نظری، این مباحث خیلی عمیق تر فهم شده است. در حالی که در بیانات نورانی اهلبیت علیهم السلام، روایاتی داریم که حل و فصل آن ها واقعا سخت است و حل آن ها در سطح عادی جزء معضلات به حساب می آید.

- یکی از کارهای حضرت امام ره در کتاب مصباح الهدایه این است که بسیاری از روایات صعب مستعصب را آورده و در سطحی بسیار عالی، آن ها را معنا و شرح کرده است.
- پیدایش چنین ظرفیتی در دوره دوم عرفان، دلایلی دارد که در جای خود باید بدان پرداخت، ولی این ظرفیت سبب گردید بسیاری از عارفان پس از این دوره، به تشیع گرایش یابند.

- کتاب مصباح الهدایه از این جهت نیز جذابیت دارد که حضرت امام توانسته است نشان دهد مساله ولایت در روایات اهل بیت علیهم السلام در سطح ابتدایی بسته نشده است، بلکه حقیقت این مساله در لایه های عمیق هستی ریشه درد و حضرت امام نیز تشریح این مساله را از عمیق ترین ساحتش که فیض اقدس است، شروع می نماید. اتفاقا برخی از بیانات اهل بیت علیهم السلام نیز بیانگر ریشه دار بودن ولایت ایشان در فیض اقدس و برخی در فیض مقدس که ناظر به مشیت مطلقه و برخی در ساحت نشأه عنصری است. یکی از آرزوهای ما این است که حقیقت ولایت برایمان حل شود که با عرفان حل شده است و حضرت امام در این کتاب این ظرفیت به فعلیت تبدیل کرده است.

چند نکته درباره امتداد کار حضرت امام ره:

۱. اخلاق عرفانی. حضرت امام ره در دوره ای به تدریس شرح منازل پرداختند، ولی وقتی خواستند آن را برای عموم مردم بیان نمایند، مسایل سیر و سلوک را از فضای علمی عرفانی به اخلاق عرفانی تبدیل نموده و به مردم عرضه داشتند. لمحہ ای از این تلاش ایشان را در نوع سخنان ایشان پس از انقلاب دیده ایم. گرچه بخشی از این مباحث نیز در کتاب چهل حدیث ایشان منعکس گردیده است.

۲. اسرار الصلاة. ما کتاب های اسرار عبادات فراوان داشته ایم، ولی در دو کتاب سر الصلاة و آداب الصلاة، ابتکارات فراوان و بسط اندیشه هایی دیده می شود که تا پیش از این، بدین صورت وجود نداشته است. از جمله ابتکارات ایشان در دو اثر این است که تمام ابعاد فقهی نماز را تحلیل عرفانی نموده اند، که به نوبه خود ارزشمند است.

۳. بسط عرفان در ساحت اجتماعی و تمدنی. این مساله نیز در سیره حضرت امام مشهود است. در این سیره، یک عارف عملا در صحنه است، ابتدا نهضتی برپا نموده و بر اساس آن حکومتی تشکیل داده است. اکنون آیا می توان چنین گفت که عرفان حضرت امام ره صرفا عرفانی شخصی بوده و آن را در عرصه اجتماع و تمدن بسط نداده است؟! ما در این شرح (فروغ معرفت) تا حدودی نشان داده ایم که حضرت امام چگونه عرفان و توحید عرفانی را در زمینه های مربوط به علوم تجربی و بستر دانشگاه و ساحت جامعه و ... به صورتی ناب بسط داده است. از باب نمونه می توان به تعبیری همچون: «ما همه هیچیم هیچ» یا «ما مأمور به وظیفه هستیم نه نتیجه» اشاره نمود.

- به نظرم بسط این موارد سه گانه در موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره تحت عنوان «امتداد اجتماعی و تمدنی حرکت حضرت امام» بسیار ضروری و لازم به نظر می رسد و باید برای آن تدبیری اندیشید. گرچه حضرت امام ره خود این کار را انجام داده و به پایان برده و در حد خویش آن را بسط نیز داده است.

- برخی می گویند این حرکت انقلابی حضرت امام تنها به خاطر فقاہت ایشان بود. البتہ فقاہت امام در تشکیل حکومت و بسط اندیشہ ایشان حاضر است همچنان کہ فلسفہ امام نیز حاضر است، و در کنار اینہا عرفان امام نیز حاضر است! باید دانست کہ در اندیشہ حضرت امام جایگاہ عرفان، در مغز و نقطہ کانونی تمدن جای دارد. اگر لایہ های تمدن شکافتہ شود، حضرت امام مغز آن را عرفان می داند کہ باید بسط دادہ شود و خود را در ساحت های مختلف جامعہ بشری نمایان سازد.